

# نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای ایلخانی؛

## نمونه موردی: تبریز، سلطانیه و اوجان

دکتر حسن کریمیان<sup>۱</sup>

بهزاد مهدی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده:

بی تردید سنت حسنه وقف را می توان یکی از اثرگذارترین عوامل در شکل یابی، توسعه و پایداری شهرهای اسلامی به حساب آورد. در دوره ایلخانی به دلیل تسامح مذهبی پادشاهان و همچنین سیاست خاص آنان در گسترش فضاهای وقفی (به خصوص اوقاف دولتی)، آثار وقفی متعددی در بافت شهرها به وجود آمدند، که گاهی شالوده شهر را سامان می بخشیدند. به عنوان نمونه، بخش قابل توجهی از هویت کالبدی شهرهای تبریز، سلطانیه و اوجان (در نزدیکی تبریز) به واسطه آثار و ابنیه وقفی فرم یافته بودند. این تأثیر تا بدان حد بود که شکل یابی و توسعه شهر اوجان با ایجاد یک مجموعه وقفی به نام ابواب البر (وقف خاص دوره ایلخانی) مرتبط می گشت. از آن جایی که سه شهر مذکور از جمله شهرهای کلیدی این دوران به شمار می آیند و بیشترین تأثیر را بر سایر شهرهای ایران گذاشته اند، در نوشتار حاضر تلاش می شود تا تأثیر وقف بر فرم یابی و توسعه آنها سنجیده شود. بدین منظور کلیه منابع مکتوب و شواهد باستان شناسانه مرتبط با این سه شهر در دوران ایلخانی مورد بررسی قرار گرفته اند. در نتیجه پژوهش حاضر مشخص گردید که اگرچه محلات مشهوری در تبریز و سلطانیه با دخالت واقفان بزرگ فرم یافتند، لیکن سیاسی شدن سنت حسنه وقف در عصر ایلخانان، زمینه بی توجهی حاکمان تیموری به مجموعه های وقفی مذکور و تخریب آنها را فراهم ساخت. این خرابی تا بدان حد بود که تلاش های سازمان یافته متصدیان وقفی عصر صفوی نیز در احیاء عناصر کالبدی وقفی شهرهای مذکور مفید فایده واقع نگشت.

### کلید واژه ها:

شهرهای ایلخانی، وقف، کالبد شهر، تبریز عصر ایلخانی، سلطانیه، اوجان.

## درآمد

علیرغم آن که ایلخانان (۷۵۰-۶۵۴ ه.ق) در آغاز مراغه و سپس تبریز را به پایتختی برگزیدند، لیکن اندیشه ایجاد شهری جدید که نمادی از امپراتوری آنان تلقی گردد آنها را به ساخت سلطانیه ترغیب نمود. طرح غازان خان در ایجاد این پایتخت نوساز به روزگار فرمانروایی سلطان محمد خدابنده اجرا و به مدت ۱۰ سال (۷۰۴-۷۱۳ ه.ق) به طول انجامید. توسعه سریع این مرکز امپراتوری ایلخانان سبب گشت تا در اندک زمانی در زمره مهم ترین شهرهای ایران درآید. شکوهی که تا پایان فرمانروایی جلایریان (۸۳۵-۷۴۰ ه.ق) کماکان استمرار یافت؛ لیکن متعاقب تهاجم تیمور گورکانی (۷۸۶ ه.ق) روند انحطاط و زوال خود را طی نمود تا این که از آن پایتخت عظیم، تنها آثار معدودی بر جای مانده است. شهرک اوجان یکی دیگر از شهرهای جدید الاحداث ایلخانان در حوالی تبریز است که خرابه های آن تا به امروز بدون مطالعه باقی مانده است.

فضاها و بناهای وقفی از اصلی ترین عناصر کالبدی شهرهای کهن ایران به شمار می آیند. پدیده وقف به عنوان یکی از عناصر چهره پرداز شهرهای ایرانی- اسلامی تأثیر چشمگیری در شکل دهی به محیط های مصنوع انسانی و فضاها کالبدی شهرها داشته است. از آنجا که عناصر اصلی بافت شهرهای ایران نظیر مسجد، مرکز حکومتی و بازار به صورت عمیق و تنگاتنگ با وقف در ارتباط بوده اند<sup>۳</sup>؛ بنابراین نظام وقف می توانست به نحو موثری در ساماندهی فضاها کالبدی شهرهای ایلخانان نقش نماید. جالب آن است که رابطه نزدیکی بین ماندگاری بافت های کهن شهری با وقفی بودن آنها وجود دارد<sup>۴</sup>.

در خصوص چگونگی فرمیابی و سازمان فضایی شهرهای ایلخانان و نیز روند شکل یابی، توسعه و اضمحلال آنها پرسش های فراوانی قابلیت طرح می یابد. پژوهش حاضر در پی آن است تا با اتکاء به منابع مکتوب و شواهد باستان شناسانه نقش وقف را بر ظهور و توسعه شهرهای ایلخانان مورد کنکاش قرار دهد. بدین

منظور سه شهر تبریز، سلطانیه و اوجان به عنوان نمونه‌های موردی برای مطالعه انتخاب گردیده‌اند.

در قرن ۷ ه. ق با روی کار آمدن ایلخانان موقوفات در مقیاس چشمگیری به وجود آمده و گسترش یافتند. یکی از ویژگی‌های موقوفاتی نظیر شنب‌غازان و مجموعه ربع رشیدی در تبریز، آن بود که نام شاهان ایلخانی را نیز زنده نگه می‌داشتند.<sup>۵</sup> از آنجا که بافت‌های تاریخی هر شهر حافظه و سابقه آن شهر محسوب می‌شود، بناهای وقفی نیز به عنوان بخشی از این حافظه هستند، بنابراین نوع شکل‌گیری و تداوم آنها در وضعیت بافت شهرهای تاریخی تأثیر بسزایی دارد. با توجه به دخالت بزرگان دولت ایلخانی در توسعه پدیده وقف و احداث بناهای وقفی و رونق شهرسازی به نظر می‌رسد که رابطه‌ای معنادار بین این عناصر وجود داشته باشد. ساخت شهرهای جدیدی نظیر سلطانیه و اوجان توسط خان‌های مغولی تأییدی است بر این مدعا.

برآمدن دولت ایلخانی در ایران، با برهم‌زدن بسیاری از نظامات اجتماعی و دینی همراه بود. به عنوان مثال، حذف سیاسی خلافت عباسی بغداد - که نگاه قالبی و تعریف شده از شریعت داشت - و برآمدن و گسترش شاخه‌های دینی و عرفانی<sup>۶</sup> را می‌توان از جمله تحولات اساسی در ساختار اجتماعی این دوران دانست. با تمرکز حاکمیت ایلخانان، مصادره بسیاری از املاک وقفی<sup>۷</sup> در نقاط مختلف ایران، که توسط حکام مغول صورت می‌گرفت، به تدریج کاهش یافت و بعدها ایلخانان خود اشاعه‌گران فرهنگ وقف نیز شدند.

## اهداف پژوهش:

از آنجا که برخی بناها و مجموعه‌های وقفی این دوران توانسته‌اند موجودیت و حریم تاریخی خود را تا به امروز حفظ کرده و تداوم بخشند و در قالب نظام در طرح‌ها و برنامه‌ریزی‌های امروزی نیز مورد توجه قرار گیرند، در این مقاله سعی

خواهد شد میزان و شیوه‌های تأثیرگذاری این بناها بر بافت دو پایتخت اصلی ایلخانان (تبریز و سلطانیه) و یک شهر جدید الاحداث دیگر در حوالی تبریز (اوجان) مورد ارزیابی، بحث و بررسی قرار گیرد.<sup>۸</sup>

### پرسش و فرضیه تحقیق:

دوره ایلخانی به لحاظ گستردگی نهادهای وقفی و همچنین توجه زیاد به شهرسازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اینک، با توجه به احداث بناهای وقفی فراوان در این دوران و به‌ویژه پس از «اصلاحات غزانی»، دو پرسش اصلی که قابلیت طرح می‌یابند عبارتند از:

۱. سیاست‌های اصلاحی غزانی در قبال نهاد وقف، به چه میزان در گسترش نهاد وقف و فرم‌یابی فضاهای معماری و بافت شهرها اثر گذار بوده است؟
۲. بناهای وقفی در این دوره به چه شکل و در چه جهاتی، بر بافت شهرها تأثیرگذار بوده‌اند؟

فرض بر آن است که علیرغم اثرگذار بودن سیاست‌های ایلخانان در افزایش کمی فضاهای وقفی و تأثیرات گسترده این سنت حسنه بر جنبه‌های اقتصادی، مذهبی، سیاسی و اجتماعی و نیز فرم شهرهای ایران، سیاسی شدن این عمل خدایسندانه استمرار آن را با مشکل مواجه ساخته بود. در نتیجه همزمان با سرنگونی این سلسله آثار وقفی احداث شده در این دوران نیز به سرعت تخریب گردیدند.

### شهرسازی دوره ایلخانی

تاریخ نویسان شهری، شهرها را چون روند مداوم توسعه ترسیم کرده‌اند که از دوره‌های متوالی و سبک‌های گوناگون تشکیل شده است، لذا هر دوره مفهوم توسعه‌ای خاص خود، روش‌های اعمال قدرت و ویژه خود و شیوه‌های تولید مخصوص به خود و ساختار و بافت کالبدی خود را دارد که سعی می‌کنند عوامل

و دلایل کامیابی یا زوال را در روند تحولات تاریخی بررسی و نقد کنند.<sup>۹</sup> آن گونه که استاد محمدیوسف کیانی اعتقاد دارد، شهرسازی در ادوار اسلامی به قدرت حکومت بستگی زیادی دارد و ظهور و سقوط و توسعه یک شهر با جریانات سیاسی در ارتباط بوده است.<sup>۱۰</sup> خان‌های مغول تا مدت‌ها در کنار اسکان در شهرها به زندگی چادرنشینی نیز ادامه می‌دادند و نمونه‌های آن اقامتگاه‌های موقت آنها (بیلاق و قشلاق) در آذربایجان و سرزمین عراق عرب بود. شهرهای ساخته آنها نیز اکثراً در مکان‌هایی بوجود می‌آمد که قبلاً اقامتگاه موقت بود<sup>۱۱</sup> (تصویر ۱). این بدان سبب بود که آنها زندگی صحرائنشینی را برتر می‌شمردند.<sup>۱۲</sup> با گذشت زمان از شدت علاقه آنها به این نوع زندگی کاسته می‌شد. تا جایی که آنها خود اقدام به ساختن شهرها و شهرک‌ها می‌کردند.<sup>۱۳</sup> اعطای اعتبار مالی و نظارت بر ساخت آثار عظیمی چون سلطانیه، مسجد جامع ورامین، فرمود، ارک علیشاه تبریز، مسجد ملک و پامناز کرمان و ... نشان‌دهنده توسعه معماری و شهرسازی در این دوره است.<sup>۱۴</sup>

■ بناهای غیرمذهبی ■ بناهای مذهبی



نمودار ۱- درصد فراوانی بناهای مذهبی در دوره ایلخانی (معماری اسلامی ایران: ص ۲۵۸)

بی تردید عصر ایلخانان را می‌توان یکی از ادوار درخشان در تاریخ شهرسازی

ایران و سرآغازی دیگر در ایجاد سبک‌های جدید در ایجاد و توسعه فضاهای شهری به شمار آورد<sup>۱۵</sup>. سبکی که با تغییر الگوهای جامعه ایلاتی مغولان فرم یافت و در انتقال از واحه نشینی به سوی زندگی مدنی، شهرهایی را به وجود آورد<sup>۱۶</sup>. این سبک شتابان به سوی آفرینش شهرک‌های سلطنتی چون غازانیه و سلطانیه و مادرشهر استراتژیکی چون تبریز - که تجلی‌گاه آرمان‌ها و تفکرات شهرسازی ایلخانان مغول است - شتافت<sup>۱۷</sup>.



تصویر ۱- سیستم زندگی ایلی مغولان در حومه شهرهای مفتوحه بر شکل‌گیری شهرهای جدید تأثیر داشته است (تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران: ص ۳۲۱)

محققانی که تحولات شهرسازی ایران را مطالعه نموده‌اند، عصر ایلخانی را به لحاظ شهرسازی دوره گذار از شیوه آذری به مکتب اصفهان دانسته‌اند و چون عمدتاً اولین مجموعه‌ها و بناها در منطقه آذربایجان احداث شده‌اند، سبک معماری این دوره به «شیوه آذری» معروف است و آغاز این سبک را نیز از دوره غازان خان بیان کرده‌اند<sup>۱۸</sup>. فی الواقع، رویکرد اصلاحات غازانی را باید منتج از دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، مذهبی و اقتصادی این عصر دانست. به عنوان مثال، امری

چون رعیت پروری به عنوان عامل اساسی سازندگی عمل کرده و به بازسازی زیرساخت‌های کشاورزی انجامیده است. هم‌زمان، حاکمیت نیز به ساماندهی امور مالی، تأمین امنیت راه‌ها و مراکز شهری و روستایی، احیای زیرساخت‌های زندگی اجتماعی و اقتصادی، احداث مساجد و حمام‌ها، حفر نهر و قنات، پایه‌گذاری شهرهای جدید و بازسازی بنیادهای عام‌المنفعه و ... اهتمام ورزیده است.<sup>۱۹</sup> در کنار این همه، بی‌تردید می‌توان احیاء و تقویت سنت حسنه وقف را یکی دیگر از عوامل موثر توسعه فضاهای شهری در عصر ایلخانان محسوب کرد. رشیدالدین فضل‌الله همدانی ضمن اشاره به احداث بناهای مذهبی چون خانقاه، مسجد و غیره در شهرهای مختلف ایران، موضوع تعیین موقوفات را به جهت تأمین مالی برای نگهدار آنها را مورد تأکید قرار داده است.<sup>۲۰</sup> بدین ترتیب، مکتب شهرسازی ایلخانی با خلق ساختار شهری متکی بر توسعه پایدار و تأکید بر توسعه موقوفات و استفاده از درآمدهای رقبات در حفظ و احیاء آثار احداثی، الگویی تأثیرگذار بر توسعه شهرها در ایران را فرم می‌بخشد.<sup>۲۱</sup> شهری که عمده‌ترین ویژگی‌های آن در جدول شماره ۱ درج گردیده است.

### نقش وقف در توسعه کالبدی شهرهای تبریز، سلطانیه و اوجان

از نظر کالبدی نقش وقف را می‌توان در ایجاد و احداث خردترین عناصر کالبدی شهر نظیر مساجد، مدارس، حمام‌ها، آب‌انبارها، سقاخانه‌ها و بازارچه‌ها تا شکل‌گیری کلانترین فضاها مثل بازارها و مجموعه‌های وقفی مشاهده کرد. نحوه قرارگیری و پراکندگی بناهای وقفی در شهرهای اسلامی ایران به دو نوع گسسته (غیر متشکل) و پیوسته (متشکل) بوده است. در نوع اول، بناهای وقفی هیچ‌گونه وابستگی عملکردی و فضایی با یکدیگر ندارند. موقوفات این نوع عموماً فاقد رقبه‌اند و تقریباً در تمامی محلات شهرها پراکنده‌اند. در نوع دوم (الگوی متشکل)، بناهای وقفی به همراه رقبات خود به صورت یک مجموعه به هم پیوسته - که از نظر

عملکردی و کالبدی با یکدیگر مرتبط هستند - در منطقه‌ای از شهر تمرکز یافته‌اند. نمونه آن مجموعه‌های ربع رشیدی و شنب غازان در تبریز است (تصویر ۲). در تاریخ شهرهای ایرانی - اسلامی، مجموعه‌های کالبدی پیوسته و همبسته از مقیاس مرکز محله تا مقیاس مرکز شهر با نقش سنت وقف سر و کار داشته‌اند. حتی بسیاری از شهرهای کوچک مثل اوجان در دوره ایلخانی با ایجاد یک مجموعه وقفی (ابواب البر) گسترش یافته‌اند<sup>۲۲</sup>. اطلاعات تاریخی موید آن است که به موازات گسترش موقوفات در عصر ایلخانان، این بناها مورد تصرفات حکام، وابستگان سلطنتی و خاندان‌های وابسته به دولت قرار می‌گرفتند. به‌علاوه، از آنجایی که موقوفات و بنیادهای خیریه مشمول پرداخت مالیات نبودند<sup>۲۳</sup> و<sup>۲۴</sup>، تصرف و استفاده از آنها بهره افزوده برای متصرف ایجاد می‌نمود.

جدول شماره ۱- ویژگی‌های کلی سازمان فضایی شهرهای دوره ایلخانی

عنوان	توضیحات
تأکید بر شهر جدید	محور آبادانی و اجرای طرح‌های شهرسازی سازماندهی فضایی مجموعه‌های جدید شهری بود.
تأکید بر توازن و هماهنگی فضایی بناها	بیانگر نقش عملکردگرا و کارکردی فضاها که در ارتباط با هم کلیت و یگانگی هدف مجموعه را بیان می‌کردند.
شکل‌گیری مجموعه بناهای جدید با هدف تبلیغ حاکمیت	مثل مقبره اولجایتو در سلطانیه و هسته مرکزی بافت اوجان
شکل‌گیری شهرهای دو هسته‌ای	هسته قدیم به مرکزیت بازار و مسجد جامع و هسته جدید به مرکزیت مقابر.
شکل‌گیری محلات بر اساس تمایزات قومی، مذهبی و اجتماعی	در اکثر شهرهای این دوره به چشم می‌خورد.

عنوان	توضیحات
اجرای اصل وحدت در عین کثرت	منظور از این ویژگی حفظ استقلال عمل کل مجموعه جدا از اجزاء و وحدت گرایی و یکپارچگی آن در ارتباط با هم است.
تغییر مفهوم ربض	در دوره ایلخانی هر چند ربض حداقل «اسما» در شهرها وجود دارد، ولی دیگر جایگاه و منزلت سابق را ندارد و در برخی شهرها این مفهوم به کلی از بین رفته و تشخیص محدود آن غیرممکن بوده است.
جایگزینی کهنه‌دژ با مجموعه مذهبی-وقفی	در اغلب شهرهای جدید الاحداث، کهنه‌دژ جای خود را به مجموعه‌ای «مذهبی-موقفی» می‌دهد که مسجد جامع و مدرسه پیرامون آن قرار می‌گیرند.
در هم تنیدگی شهرستان با بازار	شهرستان، فضای در برگیرنده محلات با عنصر مهم بازار که در دوره ایلخانی بسیار مهم بود، گره خورده و شهرستان-بازار-دروازه‌ها به صورت در هم تنیده درآمدند.
گسترده‌گی عرصه حضور گرمابه، کاروانسرا و دارالضیافه‌ها	گسترش روابط سیاسی، اقتصادی و امنیت راه‌ها از عوامل گسترش این بناها هستند، این گسترش در بافت شهرها تأثیرات گسترده‌ای از خود به جا می‌گذاشت؛ عموماً کاروانسراها در پیرامون شهرستان و دروازه؛ حمام‌ها در داخل شهرستان و دارالضیافه در ارتباط با هسته مرکزی شهر.

در ادامه، نقش وقف بر فرمیابی و توسعه سه شهر تبریز، سلطانیه و اوجان مورد بررسی قرار می‌گیرند. انتخاب این شهرها بدان سبب است که هر سه شهر به لحاظ شهرسازی شاخص‌های لازم در احراز رتبه پایتختی (جدول شماره ۲) را کسب نموده بودند.

جدول شماره ۲- ملاک‌های ایلخانان در گزینش پایتخت‌هایشان

دلایل انتخاب	توضیحات
جغرافیایی	توجه به مناطق خوش آب و هوا با پوشش جنگلی و گیاهی زیاد

وقف  
میراث  
جویدان  
شماره  
۸۶  
تابستان  
۱۳۹۳  
۳۱

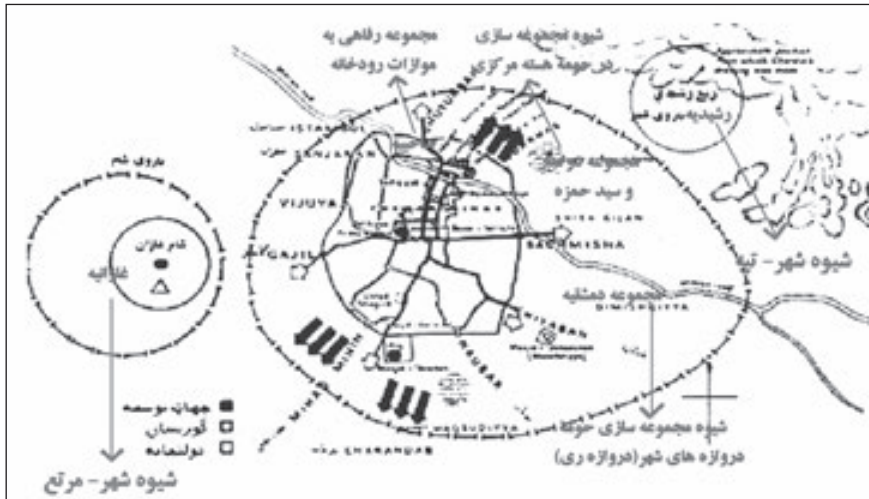
دلایل انتخاب	توضیحات
اقتصادی و بازرگانی	توجه به امر تجارت و ساخت کاروانسراها برای این منظور؛ توجه به مسیر جاده ابریشم در مکان گزینی شهرها.
سیاسی و حکومتی	برخی از شهرهای حاکم نشین (اوجان و سلطانیه) به عنوان نمادی از قدرت امپراطوری ایلخان ایفای نقش می نمودند

## ۱. تبریز

تبریز، با قرار گرفتن در مسیر تجاری شرق- غرب و واقع شدن بر مسیر حرکتی اردو و دارا بودن موقعیت استراتژیک، از امتیاز کافی برای انتقال پایتخت از مراغه برخوردار بود<sup>۲۵</sup>. قدیمی ترین منبعی که از تبریز نام برده، فتوح البلدان بلاذری (تألیف ۲۵۵ ق) است. بعد از آن، ناصر خسرو قبادیانی این شهر را توصیف و جمعیت آن را در سال ۴۳۸ هجری قمری حدود صد و بیست هزار نفر و مساحت تقریبی شهر را ۱۹۶۰۰ گام رقم زده است<sup>۲۶</sup>. ابن حوقل نیز تبریز را پایتخت جانشینان هلاکو بیان کرده<sup>۲۷</sup> و مستوفی مردمان آن را سفید چهره، شافعی مذهب و متمول توصیف می کند. مستوفی قزوینی تصویری از سازمان فضایی شهر ارائه کرده و آن را قبل از اصلاحات غازان شهری دارای ده دروازه<sup>۲۸</sup> با جمعیتی در حدود شصت هزار تن ذکر می کند<sup>۲۹</sup>. به نظر می رسد که این کاهش جمعیت به دلیل وقوع زلزله هولناک سال ۴۳۴ ه. ق بوده و توصیف مستوفی مربوط به قبل از احداث باروی غازانی باشد.

به هر روی، استعدادهای شهر تبریز در عصر ایلخانان زمینه های شکل گیری سبک معماری خاص دوره ایلخانی «سبک آذری» را در آن فراهم آورد. در سبک شهرسازانه تبریز، بازار به عنوان محور و شهرک های اقماری و مجموعه های علمی- رفاهی در حومه شهر قرار می گرفتند. اما در کنار اینها باید در نظر داشت که این پدیده شهرسازی متکی به دانش و پختگی فرهنگی ساکنان شهر بوده است و عوامل

دیگر مکمل آن محسوب می‌شده‌اند<sup>۳۰</sup>. همان گونه که در جدول شماره ۳ دیده می‌شود، در شهر تبریز ایلخانی سه شیوه شهرسازی: شهر- مرتع، مجموعه سازی در حومه شهر، و شهر تپه با اهداف مختلف به وجود آمده بود<sup>۳۱</sup> (تصویر ۳).



تصویر ۳- شیوه‌های سه گانه شهرسازی تبریز در دوره ایلخانی با محوریت بناهای وقفی (ترسیم از: نگارندگان)

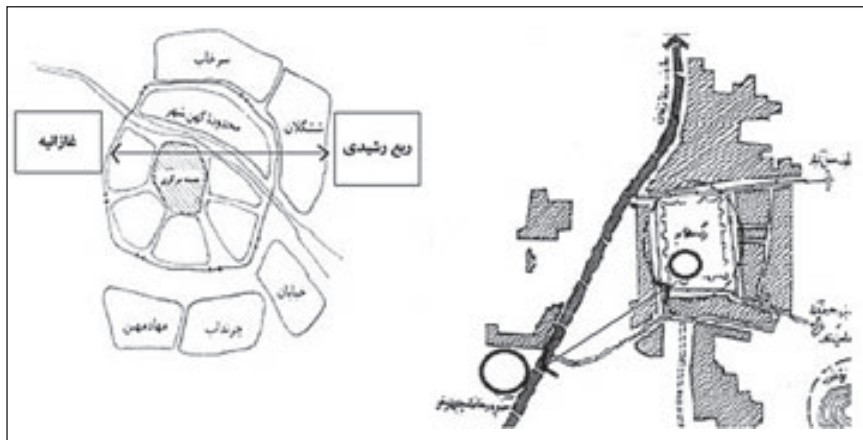
جدول شماره ۳- شیوه‌های شهرسازی تبریز در دوره ایلخانی

ویژگی‌های فضایی سبک‌ها	شیوه‌های شهرسازی در تبریز عهد ایلخانی
توسعه شهر با ایجاد بناها و مجموعه‌ها در کنار مراتع اطراف شهر برای دسترسی ایل‌های مغولی به نیازهای روزمره، نمونه بارز آن شام‌غازان	شیوه شهر- مرتع (عهد ارغون)
در پی رشد جمعیت شهر و افزایش مهاجرت‌ها به شهر، مجموعه‌ها در حومه شهر ایجاد می‌شدند مثل مجموعه‌های دومنار و سید حمزه	شیوه مجموعه سازی در حومه شهر (آغاز آن از دوره غازان خان)

ویژگی‌های فضایی سبک‌ها	شیوه‌های شهرسازی در تبریز عهد ایلخانی
با هدف دسترسی به مسیر تجاری شرق به غرب و مسلط بر شهر، مثل مجموعه ربع رشیدی	شیوه شهر - تپه (عهد غازان خان)

اما قسمت اعظم توسعه و آبادانی تبریز شامل اصلاحاتی بود که در دوره غازان خان به اجرا درآمد؛ در پی اصلاحات شهرسازی وی، تبریز نقش مهم تاریخی خود را در توسعه صنایع، بازرگانی و روابط تجاری با ممالک دوردست ایفا کرد. شکل‌گیری هدفمند مجموعه‌های صنعتی - تجاری و مراکز اجتماعی همراه با فضاهای باز در نقاط مرکزی شهر، در بافت شهر نقش بنیادی را داشته است. از طرف دیگر جایگزینی هدفمند و مستمر مجموعه‌های بزرگ در میانه شهر به ساختار شهر نظم و تعادل خاصی می‌بخشیده است<sup>۳۲</sup>. در این دوره تک بناها و مجموعه‌های وقفی متعددی در شهر تبریز احداث گردیدند که در جدول شماره ۴ ذکر شده‌اند. همان گونه که در جدول مذکور قابل رویت است، محور اصلی شهر تبریز ایلخانی از تعدادی مجموعه‌های وقفی فرم یافته بود و سایر موقوفات به صورت تک بناها هستند. این بناها در فضابندی کالبد شهر به عنوان هسته مرکزی شکل دهنده محلات پیرامونی شهر قدیم طبق برنامه توسعه شهری محله محور بودند. مجموعه «دومنار» در محله سرخاب (شمال شرق تبریز)؛ مجموعه «سید حمزه» در محله سرخاب تبریز (شمال شرق شهر)؛ مجموعه وقفی «ارگ علیشاه» در محله مهادهین (جنوب غرب تبریز)؛ مجموعه غیاثیه در مسیر دروازه موکله (شرق تبریز)؛ مجموعه ربع رشیدی در محله باغمیشه (شرق و شمال شرق شهر)؛ مجموعه شام غازان در دروازه استانبول (غرب تبریز)؛ مجموعه صاحبیه در میدان صاحب آباد (هسته مرکزی بافت قدیم)؛ البته به این لیست باید بسیاری از بناهای کوچک و متوسط را نیز اضافه کرد که به دلیل کم اهمیت بودنشان اشارات چندانی به آنها در منابع نشده است، اما با توجه به موقوفات زیادی که بناهای وقفی داشته‌اند، می‌توان

تصور کرد که کل بافت شهر به نوعی با مسئله وقف درگیر بوده است؛ همچنان که امروزه نیز موقوفات در شهرهای باسابقه ایرانی همچنان حضور فعال دارند.



تصویر ۲- الگوهای غیرمتشکل و متشکل در ساخت بناهای وقفی؛ سمت راست: سلطانیه (خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو تجربه‌ای در مرمت و احیاء؛ ص ۱۴)، سمت چپ: تبریز (بازار آفرینی ربع رشیدی؛ ص ۱۱۰)

اگر به لحاظ «وقفی بودن» بخواهیم روند و جهات توسعه شهر تبریز را در دوره ایلخانی نشان دهیم، قسمت شرق شهر بیشترین تغییر و تحولات کالبدی را به خود دیده است؛ به خصوص مجموعه ربع رشیدی که قسمت اعظمی از شرق و شمال شرق شهر را تحت الشعاع خود قرار داده است؛ علاوه بر این مجموعه‌های سید حمزه، دو منار و غیاثیه نیز در قسمت شرق شهر تحت عنوان نهاد وقف رشد یافته‌اند. مسئله مهم این است که اکثر بناهای وقفی در این دوره خارج از بافت مرکزی شهر ایجاد شده‌اند، و تنها بنایی که درون هسته مرکزی بافت قدیم به وجود آمده «ارگ علیشاه» است که اتفاقاً تنها بنای وقفی از دوره ایلخانی است که تا به امروز موجودیت فضایی خود را حفظ کرده است، اما عملکرد فضایی آن زمانی را ندارد، حتی امروزه عملکرد فرهنگی خود را از جهت میراث مادی و معنوی بودن از دست داده است، اما همچنان در بافت مرکزی شهر خودنمایی می‌کند (تصویر ۵).

مجموعه موقوفه «شام غازان» یا غازانیه تنها بنای وقفی مهم در قسمت غرب تبریز است که با شیوه شهر- مرتع ساخته شده است و توسعه شهر در این قسمت با هدف ایجاد بناها و مجموعه‌ها در کنار مراتع اطراف شهر برای دسترسی ایل‌های مغولی به نیازهای روزمره بوده است<sup>۳۳</sup>، و برای تداوم و پابرجایی آن صفت وقف نیز به آن اضافه شده است. مجموعه ربع رشیدی در شرق تبریز با سبک شهر- تپه ایجاد شده است؛ چرا که بلندی‌های این قسمت از شهر با اهداف خواجه فضل الله همدانی از ساخت این مجموعه هم‌خوانی داشته است. بناهای دومنار، سید حمزه و غیاثیه در شرق بافت تبریز در راستای سیاست مجموعه‌سازی در حومه شهر بودند و آغاز ساخت آنها نیز به دوره غازان خان برمی‌گردد<sup>۳۴</sup>. مجموعه ارگ علیشاه نیز که در بافت مرکزی شهر قرار گرفته بود در راستای سیاست شهرسازی شهر دو هسته‌ای و سیاست جایگزینی کهندژ با مجموعه مذهبی- وقفی قرار داشت<sup>۳۵</sup>؛ در این شیوه بافت مرکزی شهر با ایجاد یک مجموعه وقفی عظیم بنام ارگ علیشاه بازسازی شده بود، چرا که هدف ایلخانان در قسمت مرکزی شهرها بر بازسازی آن قرار داشت؛ هر چند که مجموعه ارک بنای جدیدی محسوب می‌شد، اما کارکرد آن به عنوان مسجد جامع در راستای همین بازسازی‌های هسته مرکزی شهر قرار می‌گرفت.

جدول شماره ۴- بناهای وقفی تبریز در دوره ایلخانان

مجموعه‌های وقفی تبریز	بانی	موقعیت مکانی در شهر	منبع
دو منار	خواجه سعدالدین اوجی	محلّه سرخاب	کربلایی تبریزی، ۵۷۰
سید حمزه	امیر صدرالدین حمزه	در مسیر منتهی به محلّه سرخاب	کربلایی تبریزی، ۵۷۰
علیشاه جیلانی	علیشاه جیلانی	در مسیر محلّه مهاده مهین (جنوب غرب شهر)	تاریخ و صاف، ۷۷ ابن بطوطه، ۲۲۶



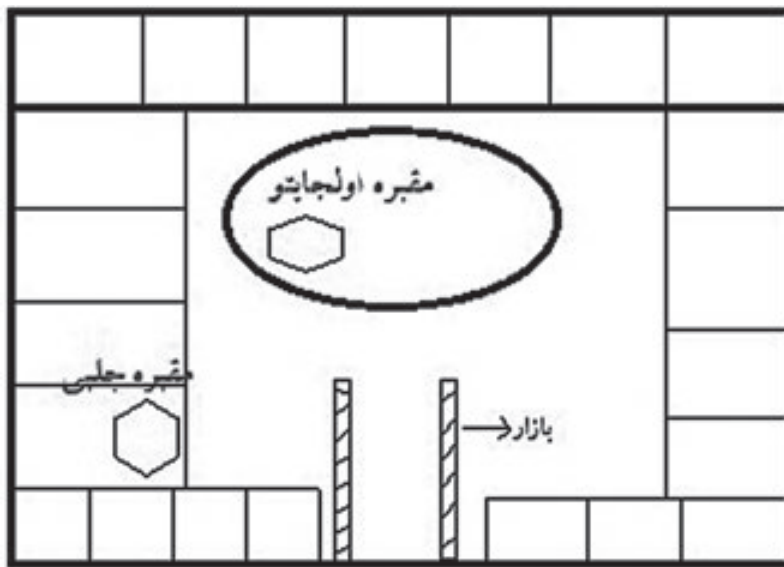


تصویر ۵- توزیع مکانی بناهای وقفی تبریز در دوره ایلخانی (ترسیم: نگارندگان)  
 ۱. ربع رشیدی، ۲. غیاثیه، ۳. دمشقیه، ۴. ارک علیشاه، ۵. غازانیه،  
 ۶. صاحبیه، ۷. دو منار، ۸. سید حمزه

## ۲. سلطانیه

سومین پایتخت ایلخانان (سلطانیه) در محلی احداث گردید که در دوره حکومت ارغون کارکرد شکارگاهی داشت و به همین دلیل مغولان به آن «قنقورا ولانک»<sup>۳۶</sup> و یا «ایقرئولن» به معنی شکارگاه و چمنزار می گفته‌اند. چنان که در منابع تاریخی آمده است، بنای شهر سلطانیه در این مکان به سال ۷۰۴ هجری قمری نهاده شد

و ساخت آن به مدت ده سال طول کشید<sup>۳۷</sup> (تصویر ۶). در احداث و گسترش این شهر بناهای وقفی و به خصوص پدیده شهری «ابواب البر» نقش تعیین کننده داشتند. شهر سلطانیه تداوم روش نوین (توسعه شهرسازی با عنصر سازمان دهنده‌ای موسوم به ابواب البر) و آخرین آنها نیز می‌باشد<sup>۳۸</sup>. از آنجایی که وقف تأثیر خود را بر شکل‌گیری استخوان‌بندی این شهر نیز از طریق سیستم «ابواب البر» گذاشته بود، آن را می‌توان شهری وقفی به حساب آورد. شهری با محله‌های وقفی، بازار وقفی، مقابر وقفی، مدارس وقفی، حمام‌های وقفی و در یک کلام، شهری وقفی که اکثر بناهای آن با دخالت مستقیم خاندان شاهی مغولی ساخته شده بودند. آن گونه که از توزیع مکانی مجموعه‌ها و بناهای وقفی این شهر می‌توان فهمید، در سلطانیه بر خلاف تبریز، بناهای وقفی از هم منفک شده‌اند و بازار وقفی نیز نقش میانجی را در این انقطاع بر عهده گرفته است.



تصویر ۶- موقعیت دو مجموعه مهم وقفی در بافت تاریخی شهر سلطانیه (ترسیم از: نگارندگان).

### ۳. اوجان

بر طبق تاریخ و صاف این شهر در سال ۶۹۸ ه. ق به دستور غازان خان با عنوان «شهر اسلام اوجان» ساخته شده است<sup>۳۹</sup>. یاقوت حموی آن را چنین توصیف کرده است: «... اوجان شهرکی است در آذربایجان و به ده فرسخی تبریز (۶۰ کیلومتر) در راه ری، آن را دیدم که دیواره‌ای بر گرد آن است و بازاری دارد ولی ویرانه‌هایش بیشتر است»<sup>۴۰</sup>. حمدالله مستوفی در نزهة القلوب می‌نویسد: «... آن را بیژن بن گیو بن گودرز ساخت و غازان خان تجدید عمارتش کرد؛ از سنگ و گچ بارو کشید و شهر اسلام خواند و دارالملک ساخت. ... دور باروی غازانی سه هزار گام (۴/۵ کیلومتر) بود. ... و غله نیکو دارد و با حاصل شهر به هم وقف ابواب البرّ غازانی تعلق دارد و آنچه از معظّمات قرای آن حدود است، چون «سرمان و جنقان»<sup>۴۱</sup>. اولیاء چلبی سیاح معروف ترک در بازدید خود از اوجان آن را چنین توصیف کرده است: «... در دامنه کوه اوجان قلعه مربع شکلی وجود دارد. محیط این قلعه دو هزار گام (۳ کیلومتر) است. به طرف شرق یک در آهنی دارد. قلعه به قدر سه هزار خانه گلی، هفت باب مسجد، سه حمام و هفت مهمانسرا و ۶۰۰ دکان دارد»<sup>۴۲</sup>. در شناخت بافت اوجان نقاشی نصوص مطرقچی نیز کمک شایانی می‌کند. بر طبق این روایات بافت شهر به این شکل بازسازی می‌شود:

- الف) احداث تختگاه مربع شکل به عنوان هسته مرکزی شهر (ابواب البرّ اوجان).  
 ب) ایجاد دو محور عمود بر هم که تعیین کننده شکل کلی شهر بوده و در مکان گزینی سایر بناها مؤثر می‌باشد.  
 پ) محصور شدن کوشک و سایر بناها توسط باغ‌ها.  
 ث) طراحی معابر (ممر) درونی و تأکید بر آن با کاشت درختان بید و سپیدار در اطرافش به عنوان نمونه‌ای از الگوهای چهار باغ<sup>۴۳</sup>.

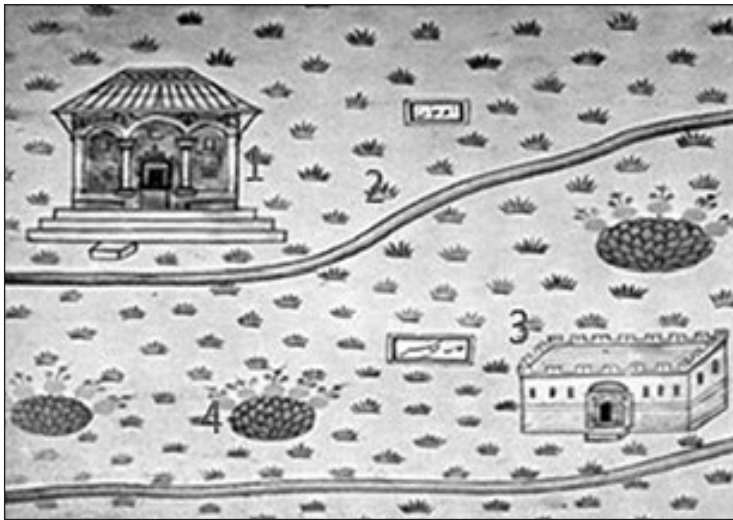


تصویر ۷- طرحی فرضی از بافت شهرِ وقفی اوجان بر اساس حکایت‌های تاریخی (بازآفرینی ربع رشیدی: ص ۱۸۶)

آن چنان که معلوم گشت، اوجان شهری بود با قلعه حکومتی و منطقه‌ای مسکونی به محوریت دو خیابان عمود بر هم که به عنوان شهری مختص خاندان ایلخانی در نزدیکی پایتخت (تبریز) ساخته شده بود تا شاهزادگان و حرم آنها در مواقعی از سال در آن مستقر شوند و در عین حال به دلیل موقعیت تجاری خاص آن به فعالیت‌های تجاری در شهر بپردازند. شهری که در احداث آن، دو پدیده «ابواب البر» و «املاک اینجو» به عنوان سیاست‌های وقفی حکومت ایلخانی به بهترین شکل ممکن خود را نشان داده‌اند. بر طبق نقاشی مطرقچی می‌توان بناهای زیر را در زیرمجموعه «ابواب البر» اوجان ترسیم کرد:

۱. کوشک غازان خان، ۲. رودخانه «اوجان چایی»، ۳. قلعه یا ارگ، ۴. واحه‌های انباشت آب<sup>۴۴</sup> (تصویر ۸). حمدالله مستوفی یکی از کسانی است که به وقفی بودن هسته مرکزی شهر اشاره کرده و آورده است که همه محصولات شهر وقف «ابواب

البَرّ غازانی» بوده. حتی زمین‌های کشاورزی و روستاهای اطراف شهر - که احتمالاً توسط حکام ایلخانی اداره می‌شده‌اند - وقفِ مجموعه شام غازان بوده است.<sup>۴۵</sup> شهر اوجان در دوره ایلخانی با سیاست‌های خاص غازان خان به نوعی تبدیل به «شهری وقفی» شد، به خصوص بحث بناهای «ابواب البَرّ» و «املاک اینجو»<sup>۴۶</sup>، که پایه‌های اصلی توسعه و گسترش بافت این شهر را رقم می‌زده‌اند؛ به این دلیل می‌توان به این شهر لقب «شهرِ وقفی» را اطلاق کرد. حتی متولی ساخت بناهای شهر، خانواده شاهی ایلخانان بوده‌اند که هر یک زیر نظر غازان خان مسئولیت و تولیت ساخت یک قسمت از بافت شهر را عهده‌دار گشته بودند. این پدیده ویژه شهرسازی مغولها در ایران است.<sup>۴۷</sup>



تصویر ۸- بخشی از شهر وقفی اوجان با توصیف مطراقچی (بیان منازل: ص ۷۷)  
 ۱. کوشک غازان خان، ۲. رودخانه اوجان، ۳. قلعه حکومتی، ۴. واحه انباشت آب

اگرچه بیشتر بناهای اوجان وقفِ شام غازان در تبریز بوده‌اند، اما باز نمی‌توان از نقش وقف در ساخت آنها غافل شد. زیرا این موقوفات نیز بخشی از ساختار و سازمان وقفی را تکمیل می‌نمودند (تصویر ۷). به علاوه، بر حسب وصیت غازان خان

بخشی از املاک اینجوی وی، پس از مرگش به وقف خاص درآمد<sup>۴۸</sup>.  
 در بررسی میدانی شهرستان بستان آباد (اوجان قدیم) نیز که به سرپرستی دکتر رحیم ولایتی انجام پذیرفته، قسمتی از بافت این شهر شناسایی و معرفی گشته است<sup>۴۹</sup> (تصویر ۹).



تصویر ۹- احتمال داده می‌شود «شهر ایلخانی اوجان»، در ۳۰ کیلومتری شرق تبریز در نزدیکی شهر بستان آباد فعلی باشد (گزارش بررسی باستان شناسی بستان آباد: ص ۴۲۸)

### بحث و نتیجه گیری

با آنچه آوردیم روشن شد که گسترش ساخت بناهای وقفی به روزگار ایلخانان سبب رشد و توسعه شهرسازی در این دوره گردید. آن چنان که در هر سه شهر مورد مطالعه معلوم گشت، احداث بناهای وقفی می‌توانست زمینه تحقق آمال شهرسازی مغولان را فراهم آورد. در شیوه شهر- مرتع، بنای موقوفه غازانیه این امر را محقق

می‌کرد که همسو با آمال و آرزوهای ایلی و مرتع نشینی مغولان بود؛ در شیوه شهر - تپه مجموعه ربع رشیدی در شرق تبریز بیانگر تحقق این سبک شهرسازی بود که با گرایش‌ات شهرسازی و سیاست رونق شهرنشینی مغولان هم‌خوانی پیدا کرده بود؛ در شیوه مجموعه‌سازی نیز مجموعه چلبی اوغلو در سلطانیه به عنوان یک مجموعه الگو عرض اندام کرده بود و گسترش بافت شهر در قسمت جنوب را تحقق بخشیده بود. با این همه، سیاست‌های شهرسازی دوران شکوه و عظمت دولت ایلخانی، در اوجان جامه عمل پوشیده بود. اوجان شهری کاملاً مغولی و منطبق با خواسته‌های آنها بود که وقفی کردن بناهای آن بدون دخالت مالی و سیاسی حکمرانان ایلخانی امکانپذیر نبود.

بی‌تردید، موقوفات شهر تبریز در دوره ایلخانی را می‌توان به عنوان الگوی بناهای وقفی ایران در دوران اسلامی معرفی نمود. علاوه بر موقوفات متعددی که به صورت تک بنا در سطح شهر و حومه آن ساخته شده بود، مجموعه‌های وقفی نیز در سطح کلان بافت شهر را تحت تأثیر خود قرار می‌دادند. صرف نظر از این که چرا مجموعه‌های وقفی بزرگی مانند ربع رشیدی و شنب‌غازان نتوانستند در مقابل تحولات زمان ادامه حیات دهند، باید پذیرفت که پدیده وقف تأثیر شگرفی در فرم‌یابی آثار معماری و فضاهای تبریز ایفا نموده است. در پاسخ به دلیل ناپایداری آثار وقفی ایلخانان، علت را باید در سیاسی شدن عمل خدا پسندانه وقف و نحوه تشکیل و توزیع فضایی عناصر تشکیل دهنده آنها جستجو کرد. بدین ترتیب که، هر چه ارتباطات فضایی کالبدی مجموعه‌های وقفی با سایر بناهای شهر بیشتر و کارکردی‌تر باشد، به همان میزان در شکل‌نهایی بافت شهر نقش بیشتر و مهم‌تری را بر عهده خواهد داشت. این وضع در سلطانیه نمود بیشتری داشت زیرا این شهر محصول روی کار آمدن ایلخانان مغول در صحنه سیاسی بود. به‌خصوص رسم ساخت ابواب البرّ در مرکز بافت شهر، جهت‌های توسعه شهر و نحوه قرارگیری بناهای شهر را رقم می‌زده است. آنچه که سلطانیه را از تبریز متمایز می‌ساخت، وجود تک بناهای وقفی و به‌ویژه بناهای مذهبی

در بافت وسیع سلطانیه بود(نموادر ۱).

اگر چه سیاسی شدن عمل خدایسندان و وقف در عصر ایلخانان، بهایی جز تخریب بناها و مجموعه‌های وقفی نداشت، لیکن در شهرهایی مانند اوجان پدیده شهری ابواب البر و املاک اینجو(وقف خاص ایلخانی) نام شهر را با خاندان ایلخانی گره زد. این دقیقاً همان چیزی بود که در شب غازانیه روی داد. شاید اگر نبود این بناها، نام‌های غازان خان ایلخانی و خواجه رشیدالدین فضل الله به این شکل و گستردگی در اذهان مردم معاصر متبلور نمی‌شد؛ و در مقابل اگر «وقف» به این شکل در جامعه عصر ایلخانی رونق پیدا نمی‌کرد، شاید دین اسلام نیز به این گستردگی در میان خاندان مغول رسوخ نمی‌یافت. مذهب در این دوره با صفت اسلامی «وقف» گسترش پیدا می‌کرد و تبلیغ می‌شد.



تصویر ۱۰ - تعرض به حریم بنای وقفی ارگ علیشاه تبریز در ساخت و سازهای جدید(تصویر

از: نگارندگان)

وقف

میراث

جویدان

شماره

۸۶

تابستان

۱۳۹۳

۴۵

## پی‌نوشت‌ها:

۱. دانشیار گروه باستانشناسی دانشگاه تهران.
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد باستانشناسی دانشگاه تهران.
۳. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۸۳۵.
۴. نقش وقف در شکل‌یابی فضاهای معماری و حفاظت بافت کهن شهر تهران، محدوده ارک و بازار، ص ۴.
۵. مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴۰-۳۹، ص ۳۹.
۶. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، ص ۶.
۷. در ابتدای حکومت ایلخانان بر ایران تمامی زمین‌های دولتی و نیمه دولتی و وقفی که تقریباً بی صاحب بودند با نام‌های مختلف مثل املاک دیوانی، خالصه و خانی و به نفع حکومت مصادره می‌شدند که البته این رسم دائمی همه حکومت‌های ایران بوده است (مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴۹، ص ۷۶).
۸. پژوهش حاضر خلاصه بخشی از پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد بهزاد مهدی زاده است که در تابستان سال ۱۳۹۲ در دانشگاه تهران تحت راهنمایی نگارنده اول به انجام رسید.
۹. مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ص ۲۷.
۱۰. نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، ص ۲۰۵.
۱۱. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، ص ۱۲.
۱۲. هنر و معماری اسلامی ج ۲، ص ۱۳.
۱۳. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، ص ۳۲۱.
۱۴. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، ص ۵۶.
۱۵. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۸۹۷.
16. 139 British Institute of Persian Studies, PP
۱۷. هنرهای زیبا، شماره ۲۴، ص ۷۴: ایران در اوایل عهد ایلخانان- رنسانس ایرانی، ص ۱۵.
۱۸. مجله هنرهای زیبا، شماره ۴۱، ص ۹۲.
۱۹. تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران، ص ۱۱۲.
۲۰. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۷ و ۳۶، ص ۴۷.
۲۱. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۹۴۰.
۲۲. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۳۰، ص ۹۶.
۲۳. وصاف گفته است: قانون مغولی

۳۴. همان: ص ۹۳۲.
۳۵. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، ص ۱۱۱ به بعد.
۳۶. این نام همچنین از طایفه‌ای به نام قنغر است که در ناحیه سلطانیه ساکن شده بودند و کلمه آلتنگ در لغت ترکی به معنی چمنزار است (بررسی آثار تاریخی سلطانیه، ص ۷۸).
۳۷. تاریخ و صاف: در احوال سلاطین مغول، سال ۱۳۳۸؛ نفائس الفنون فی عرایس العیون، ص ۷.
۳۸. بررسی مجموعه علمی- مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی، ص ۱۲۸.
۳۹. تاریخ و صاف، ص ۲۴۸.
۴۰. یاقوت، مُعجم البدان، ج اول، ص ۱۲۳.
۴۱. نزهة القلوب، ص ۱۲۷.
۴۲. اولیاء جلیبی سیاحتنامه سی، سال ۱۳۱۴.
۴۳. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، ص ۱۸۵.
۴۴. نصح، بیان منازل، ص ۷۷.
۴۵. نزهة القلوب، ص ۸۰.
۴۶. در مورد «املاک اینجو» باید گفت که اینجو کلمه‌ای مغولی است که به املاک سلطنتی خاندان مغول اطلاق می‌شود. این املاک در بحث شهرسازی این دوره، به معنی متصرفات متعلق به شاهزادگان خاندان چنگیزی به انضمام تمامی کسانی که جزو آن متصرفات
- «باسا» نیز بر معافیت بناهای وقفی از مالیات‌های دولتی تأکید می‌کرد (تاریخ و صاف، ص ۲۸۴).
۲۴. تاریخ جهانگشای، ج ۱، ص ۱۱.
۲۵. مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، ص ۸.
۲۶. تاریخ تبریز تا پایان قرن ۹ هجری، ص ۴۹.
۲۷. صوره الارض، سال ۱۳۴۵.
۲۸. دروازه‌های توصیفی مستوفی به نام‌های زیر هستند:
- ۱- ری، ۲- قلعه، ۳- سنجانران، ۴- طاق، ۵- دروب جو (درب جو)، ۶- سر، ۷- دستی شاه، ۸- نارمیان، ۹- نوبره، ۱۰- موکله (هوکله). در دوره غازان خان با احداث باروی جدید دروازه‌های این بارو به ۶ عدد می‌رسد (نزهة القلوب: ص ۷۵).
۲۹. همان، ص ۷۶.
۳۰. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۹۰۵.
۳۱. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۹۳۱.
۳۲. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، ص ۱۱۱.
۳۳. مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی تبریز، ص ۹۳۱.

- قلمداد می‌شده‌اند بوده و عواید آنها در اموری به تشخیص خود سلطان به مصرف می‌رسیده که از آن جمله امور بناهای وقفی بوده است. املاک اینجو به دلیل این که می‌توانستند به ارث گذاشته شوند در نتیجه همیشه آباد و پررونق بوده‌اند (املاک اینجو و وقف خاص در دوران ایلخانان: ص ۶۸).
۴۷. رجوع شود به رفرنس ۳۶، ص ۱۲۰.
۴۸. فصلنامه وقف میراث جاویدان، شماره ۲، ص ۶۸.
۴۹. گزارش بررسی باستانشناسی منطقه بستان آباد، ص ۴۲۸.
- فهرست منابع:**
۱. صورة الارض، محمد ابن حوقل؛ ترجمه جعفر شعار، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۵.
  ۲. اولیاء چلبی سیاحتنامه سی، محمد ظلی بن درویش اولیاء چلبی؛ استانبول، اقدام مطبع سی، ۱۳۱۴.
  ۳. تحلیلی بر بازتاب اصلاحات غازانی در روند بازسازی مراکز شهری ایران (۶۹۴-۷۰۳ هجری)، فریدون اللهیاری؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، شماره ۳۶ و ۳۷، ۱۳۸۳.
  ۴. هنر و معماری اسلامی (۲)، شیلا بلر و جاناتان بلوم؛ ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر سمت، ۱۳۸۱.

۵. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران از آغاز تا دوران قاجار، جهانشاه پاکزاد؛ تهران، نشر آرمانشهر، ۱۳۹۰.
۶. بررسی آثار تاریخی سلطانیه، هوشنگ ثبوتی؛ زنجان، نشر ستاره، ۱۳۶۹.
۷. تاریخ جهانگشای، علاءالدین عطاملک جوینی؛ تصحیح محمد بن عبدالوهاب قزوینی، لیدن، مطبعه بریل، ۱۳۵۵ ه.ق.
۸. نقش وقف در شکل‌یابی فضاهای معماری و حفاظت بافت کهن شهر تهران، محدوده ارک و بازار، محمدجعفر حاتمیان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.
۹. هما‌آویی نور و رنگ در فضای شهری ایرانی، فرح حبیب؛ مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۷، ۱۳۸۵.
۱۰. تحلیلی از عرصه‌های شهری در شیوه آذری؛ نمونه موردی شهر آرمانی خواجه رشیدالدین فضل‌الله - ربع رشیدی، فرح حبیب؛ مجله هنرهای زیبا، شماره ۴۱، ۱۳۸۹.
۱۱. مُعجم البدان (جلد اول، بخش اول)، یاقوت حَمَوی بغدادی؛ ترجمه علینقی منزوی، تهران، نشر سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده باستانشناسی، ۱۳۸۰.
۱۲. ساختار حیات شهری در عصر ایلخانان، سید ابوالفضل رضوی؛ مجله

- کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۲۳، مرداد ماه، ۱۳۸۷.
۱۳. نقش وقف در ایجاد بناهای مذهبی و میراث‌های هنری و معماری جهان، محمدتقی سالک بیرجندی؛ مجله وقف میراث جاویدان، شماره ۴۰-۳۹، سال ۱۰، ۱۳۸۱.
۱۴. تاریخ مختصر شهر و شهرنشینی در ایران (از دوره باستان تا ۱۳۵۵ ه.ش)؛ حسین سلطان زاده؛ تهران، نشر معراج، ۱۳۹۰.
۱۵. یافته‌هایی از طرح شب غازان، پدیده شهری عصر ایلخانی به نام ابواب البرّ، جواد شکاری نیری؛ هنرهای زیبا، شماره ۲۴، زمستان، ۱۳۸۴.
۱۶. بررسی مجموعه علمی- مذهبی و تحقیقاتی ربع رشیدی، جواد شکاری نیری؛ پایان‌نامه دکتری، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۳.
۱۷. نفائس الفنون فی عرایس العیون، محمد شمس‌الدین آملی؛ به تصحیح ابوالحسن نوایی، تهران، نشر اسلامی، ۱۳۸۱.
۱۸. روضات الجنان و جنات الجنان (۹۹۵ ه.ق)، حافظ حسین کربلایی تبریزی؛ تصحیح جعفر سلطان‌القرایی، تهران، نشر ستوده، ۱۳۸۳.
۱۹. دو شهر، دو شیوه، دو مکتب: از تبریز تا اصفهان، از ایلخانان تا صفویان،
- حسن کریمیان، زهرا ابطحی و رضا سلمانپور؛ مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ۱۳۹۰.
۲۰. نظری اجمالی به شهرنشینی و شهرسازی در ایران، محمدیوسف کیانی؛ تهران، نشر وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.
۲۱. تاریخ هنر معماری ایران در دوره اسلامی، محمدیوسف کیانی؛ تهران، نشر سمت، ۱۳۸۷.
۲۲. بازآفرینی ربع رشیدی بر اساس متون تاریخی، محمدعلی کی نژاد و آزیتا بلالی اسکویی؛ نشر متن، ۱۳۹۰.
۲۳. ایران در اوایل عهد ایلخانان-رنسانس ایرانی، لین جورج؛ ترجمه س.ا. رضوی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۹.
۲۴. بررسی موقوفات ایران در قرون ۸ تا ۶ هجری، لمبتون، آن نیوتون کرک؛ ترجمه مجتبی کیانی، مجله وقف میراث جاویدان، سال ۱۳، شماره ۴۹، ۱۳۸۴.
۲۵. تحلیل نقش متقابل وقف و شهرسازی، برنامه‌ریزی فضایی- کالبدی راهبردی جدید در توسعه و بهره‌وری بهینه موقوفات، محمود محمدی؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۸، شماره ۳۰، ۱۳۷۹.

۲۶. وقف، الگوی نظارت و ارزیابی اقدامات شهرسازی و حفاظت شهری پایدار، اصغر محمد مرادی، فاطمه مهدی زاده دیزج و سکینه تاج الدینی؛ مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ۱۳۹۰.
۲۷. تأثیر مکتب شهرسازی ایلخانی بر تکوین نظام ساختاری شهرهای عثمانی طی قرن چهاردهم میلادی، مطالعه تطبیقی تبریز و بورسا، اصغر محمد مرادی و ساناز جعفرپور ناصر؛ مجموعه مقالات منتخب اولین همایش معماری و شهرسازی اسلامی، تبریز: دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ۱۳۹۰.
۲۸. نزهة القلوب، حمدالله مستوفی؛ به اهتمام و تصحیح گای لیسترانج، نشر دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
۲۹. تاریخ تبریز تا پایان قرن ۹ هجری، محمدجواد مشکور؛ نشر انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲.
۳۰. املاک اینجو و وقف خاص در دوران ایلخانان؛ نمونه فارس، محمد حسین منظور؛ فصلنامه وقف میراث جاویدان، سال ۳، شماره ۲، ۱۳۷۴.
۳۱. بیان منازل، نصوص مطراچی؛ ترجمه و تعلیق رحیم رئیس نیا، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۹.
۳۲. خانقاه و آرامگاه چلبی اوغلو تجربه‌ای در مرمت و احیاء، محمدرضا نیک بخت؛ نشر گنج هنر، ۱۳۸۸.
۳۳. معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، دونالدن ویلبر؛ ترجمه عبدالله فریار، بنگاه ترجمه کتاب فرانکلین، ۱۳۴۶.
۳۴. تاریخ و صاف: در احوال سلاطین مغول، و صاف الحضرة (فضل الله شیرازی)؛ نشر ابن سینا، ۱۳۳۸.
۳۵. گزارش بررسی باستانشناسی منطقه بستان آباد، مرحله دوم، رحیم ولایتی؛ با همکاری سازمان میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان آذربایجان شرقی و مؤسسه باستانشناسی دانشگاه تهران، ۱۳۹۲.
۳۶. معماری اسلامی ایران، رابرت هیلن براند؛ مجله هنر، ترجمه فرشاد بهزاد، شماره ۲۸، ۱۳۷۴.
37. The Mongol Capital of Sultaniyya , The imperial . Iran, Sheila S Blair , vol. 24, London: British Institute of Persian Studies, pp. 139-151, 1986.
38. Notiz zur Alishah Moschee (Ark) in Tabriz, W Kleiss, AMI; Band 14, 1981.